

بچه ها فلسطین کجاست؟



شما چکار میکنید؟ اگر عده ای قلدر به منزلتان در صبح زود با اسلحه حمله کند، در را بکشند، زن و بچه، پدر و مادر، خواهر و برادر شما جلوی چشمتان بکشند بعد هم شما را از خانه و کاشانه تان بیرون کرده و آواره بیابانها کنند؟ شما چکار میکنید؟ آیا افرادی که به این بلا را بسر شما آورند میتوانند جای در قلب شما برای دوست داشتن پیدا کنند؟ آیا از کشتار وحشیانه عزیزان و جگر گوشه هایتان توسط آنها چشم پوشی میکنید؟ آیا از گرفتن کاشانان تان چشم پوشی میکنید؟ آیا از " میهن " تا چشم پوشی میکنید؟ آیا حاضر میشوید که در کنار این وحشیان که بویی از انسانیت نبرده اند در حالیکه تمام رفتار و گفتار شما " کنترل " میشود " در صلح و صفا " زندگی کنید؟ وقتی این حیوانها تشکیل یک گروه یا حزب یا دولت دادند شما وجدان تان حاضر میشود آنرا به رسمیت بشناسید؟ تشکیل رژیم ناحق اسرائیل به چه بهایی؟ به بهای خون و نابودی یک ملت؟ آیا حاضرید باور کنید که این عده همانهایی بودند که هیتلر عزیزان آنها را در کوره های آدم سوزی انداخت و آنها امروز همان کار و صد پله بدتر از آن را در حق شما اعمال میکنند؟ حال به داستان واقعی زیر خوب دقت کنید!

بخشی از تاریخ معاصر

در بامداد روز نهم آوریل سال ۱۹۴۸، کماندوهای یرگون (بسرکردگی مناخیم بیگن) و گروه اشترن به دیر یاسین ، دهکده ای با حدود ۷۵۰ سکنه حمله ور شدند. دهکده ای که آرامش آن شهرتی خاص داشت... ساکنین به طور منظم به قتل میرسیدند. در ۱۹۴۴ ما در نزدیک بازار تلاویو زندگی میکردیم. یک روز صبح همسرم یک مرد جوان را دید که اطراف یک زن فروشنده پرسه میزند. به برخی ها کاری نداشت اما به سبزیجات دیگران پارافین می پاشید و تخم مرغهایشان را می شکست، همسرم که تازه از آفریقای جنوی آمده بود نمی توانست چنین منظره ای را باور کند. پرسید اینجا چه میگردد؟ بسیار ساده بود. آن مرد محصولات را آزمایش میکرد که هیبرو بودند یا عرب ، و محصولات عرب را نابود میکرد. حالا، این رفتار هنوز در یک مقیاس کوچک بود و بعضی از صهیونیستها هنوز شبیه طرفداران چپ حرف میزدند. انتشاراتی صهیونیست آثار لنین و تروتسکی را چاپ میکردند..... دولت اسرائیل با کشتار ۲۴۰ نفر از ساکنین دیر یاسین زاده شد. زن، مرد و کودک قصابی میشدند، بعضی از آنها را زنده زنده در چاه دهکده انداختند....

بلا

بلا واژه ایست که توسط فلسطینیان استفاده شده و رجوع داده میشود به اعلام موجودیت اسرائیل در سال ۱۹۴۸. از آنزمان تا کنون سه جنگ بین اسرائیل و اعراب در سالهای ۱۹۴۸، ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ صورت گرفته که در آن انبوه پاکسازی یا " نسل کشی " فلسطینیان دیده میشود. فلسطینیان این دوره را دوره **مصیبت** می نامند. امروزه ۳.۴ میلیون پناهنده فلسطینی وجود دارد، بیشتر از جمعیت فلسطینیانی که در منطقه ای که قبلا در آن زندگی میکردند باقی مانده اند. شواهد آمار و ارقام زمین تحت مالکیت آنها در آمده : در ۱۹۱۷ جهودها فقط ۲.۵ درصد از زمین را داشتند. در ۱۹۴۸ این رقم به ۵.۷ درصد افزایش یافت، و امروز حدود ۹۵ درصد در مرزهای از قبل ساخته شده، درحالیکه اعراب فقط مالک ۵ درصد از زمینها هستند. این یکی از فجیع ترین ماجراها در تاریخ بود که یک ملت ستمدیده مثل جهودها، کسانی که از بربریت نازی ها رنج بردند، که ستم و بربریت را بر ملت دیگر اعمال میکنند _ بر فلسطینیان، یک ملتی که هیچ راهی دیگری جز درگیر شدن در آغاز یک قتل عام بود.

وابسته به امپریالیسم

با علم به اینکه صهیونیستها با مقاومت فلسطینیان مواجهه میشوند، برای آنها بسیار روشن بود که همیشه به حمایت قدرتهای امپریالیستی که در آنزمان بر فلسطین نفوذ داشتند احتیاج دارند.

در اکتبر ۱۸۹۸ تئودور هرزل ("اسرائیل او را که "سکولار" هم بود پدر تاریخ مدرن صهیونیسم معرفی میکند") برای یک ملاقات رسمی با کیزر ویلهلم (آخرین امپراتور آلمان) به کانستینتوپل (استانبول امروز) میرود. در آنزمان فلسطین در امپراطوری عثمانی که شریک جدید آلمان بود قرار داشت. هیزل به کیزر میگوید که اسکان صهیونیستها در اسرائیل میزان نفوذ آلمانی را بالا میبرد برای اینکه مرکز صهیونیستی در اطریش بود، که آن تحت تاثیر امپراطوری آلمان قرار داشت. او برای متقاعد کردن کیزر همچنین یک پیشنهاد دیگری دارد: "من توضیح دادم که ما جهودها را از احزاب انقلابی دور میکنیم."

با نزدیک شدن پایان جنگ جهانی اول، زمانی که واضح بود انگلیس خیال داشت کنترل فلسطین را برعهده بگیرد، چیم وایتمن، رهبر صهیونیستها در آنزمان، با دبیر امور خارجه انگلیس، آرتور بلفور، تماس گرفته، در تاریخ ۲ نوامبر ۱۹۱۷، از او یک وعده تضمین شده برای زادگاه جهودها در فلسطین میگیرد. رونالد استورس، که اولین فرماندار نظامی انگلیسی در اورشلیم، توضیح میدهد که صهیونیست، " پروژه چیزی بود که او را تقدیس میکرد و همینطور چیزی را که از او گرفته بود به وسیله شکل گرفتن یک ذره از وفاداری ایالت تاریخی جهود برای انگلیس در دریایی از عامل بالقوه خشونت عربیسم، به او میبخشید. " صهیونیستها مردان نارنجی * از فلسطین میشوند.

با جنگ جهانی دوم کاملاً روشن میشود که قدرت اصلی در خاورمیانه که انگلیس باشد متوقف شده و ایالت متحد آمریکا قدرت اصلی میشود. بن گوری یین، رهبر صهیونیست در آنزمان، به همین علت با عجله به واشنگتن رفته تا قراردادهای را با آمریکا سیمان کاری کند. اسرائیل الان بیشترین ماهواره ایست که آمریکا روی آن حساب میکند. بیخود نیست که اسرائیل بیشتر از هر کشور دیگری کمکهای اقتصادی از آمریکا دریافت میکند، اگر چه اسرائیل بسیار کوچک است. اسرائیل همچنین بیش از هر کشور دیگری در دنیا کمک نظامی دریافت میکند.

هر انسانی " انسان " نیست!

آیا تا بحال دیده اید که رسانه های " غربی " با یک فلسطینی مصاحبه کنند؟ از خاطرات یک فلسطینی فیلم مستند بسازند؟ تصاویر سرکوب و کشتار آنها را در مراکز تاریخی در معرض نمایش عموم قرار دهند؟ به اخبار رسانه های " غربی " دقت کرده اید؟ مدتی ست که خیر کشتن اشغالگران صهیونیست توسط فلسطینیان شنیده نمیشود، اما وقتی که شنیده میشد آنچنان فلسطینی را " تروریست " و جنایتکار معرفی میکردند که خیلی ها که " رعوفت منافعشان شامل صهیونیستها " میشد چشم بر روی تمام ددمنشی و اول از همه اشغالگری صهیونیستها میبستند و فریب تبلیغاتی که رسانه های غربی به خصوص دلال خبری بی بی سی در " فرموله " کردن یک مسئله به نفع وحشیان و حیوانات و جانوران آدمخوار تبحر خاص دارد را میخورند! در اصل این رسانه های و اهداف شوم آنها بیانگر این است که برای آنها هر انسانی " انسان " نیست! و آنها از منافع زورگویان، قلدران، و زالوصفتان دنیا حمایت میکنند. و گاهی هم برای " ستمدیدگان " مثلاً کودکان آفریقای که منابع سرزمین شان را به غارت میبرند " کنسرتهای خیریه " با پادویی نگلهایی مثل باب گلیدوف ها ترتیب میدهند تا برای آنان اشک تمساح بریزند!

اما در عوض، رسانه های سرمایه داری جهان، باز هم بخصوص دلال خبری بی بی سی انگلیس که مثل انگل در هر کشوری نیز شعبه میزند، تقریباً هر روزه به طور سیستماتیک قربانیان جهود در کورهای آدم سوزی نازی ها را برای مثلاً " همدردی و فراموش نکردن فجایع " جلوی چشم بینندگان میاورد، خاطراتشان را منتشر و تبلیغ و ترویج میدهد، با آنها مصاحبه های آنچنانی ترتیب میدهد، از روی کتاب خاطرات آنها فیلم میسازد، دیوارهای تالارها و مراکز تاریخی شان نیز با عکس آورگان جهود و یا

سرکوب آنها توسط دژخیمان هیلتری مزین شده است. به راستی اینان تنها یک قلب دارند و آنهم قلبی که برای " قلدران آدم کش" و غارتگران می طپد؟ ۶۲ سال است که فلسطینیان نه تنها فراموش شده اند، نه تنها بر دیوار هیچ " مرکز امپریالیستی " تصویری از جنایات جهودها در حق فلسطینی ها نیست، بلکه فروش اسلحه های آنها، نیز در کشتار و قتل عام کودکان فلسطینی نیز " سهم بسزایی " بازی میکند! قابل یادآوریست که دیوید میل بند وزیر امورخارجه انگلیس در زمان کشتار ۲۱ یک روز فلسطینیان توسط اسراییل حیوان در ۲۰۰۸ - ۲۰۰۹ که در آن بیش از ۴۰۰ کودک قصابی شد در برنامه اخبار شب کانال دو بی بی سی حاضر نشد حمله ددمنشانه اسراییل را محکوم کند. باید هم که محکوم نمیکرد، هم باید پیمان " همتای جنایتکارش" را جامه عمل بپوشاند، هم اسلحه اش را به فروش برساند! درست در همان زمان تونی بلر جنایتکار جنگی که اتحادیه اروپا + امپریالیسم آمریکا سمت " مشاور خاورمیانه " را به او " اعطاء کردند در همان حمله مشغول خرید در یکی از مراکز غارتگری بود! اما از طرفی خود دلال خبری بی بی سی هم حاضر نشد درخواست جمع آوری کمکهای مردمی را از شبکه های خبری اش برای بازماندگان فلسطینیان پخش کند!

اگر امپریالیستها به آنچه که در فلسطین میگذرد، که در اصل با حمایت خود آنها صورت میگردد، در رسانه هایشان " نیم نگاهی" داشتند مطمئنا به جنایات رژیم شاه و شیخ (نوکران خودشان) در حق کمونیست ها و سایر مبارزین راه رهایی از یوع ستم و بردگی استعمارگران نیز نگاهشان " معطوف" میشد! اما طراحان جنایات در کجای تاریخ دیده شده که جنایات خود را " در معرض نمایش عموم" قرار دهند! آنچه که هر روز رسانه ها در مورد " فجایع نازیها در آلمان" در باره فقط " جهودها" _ هزاران کمونیست در کوره های آدم سوزی هیتلر سوخته شدند فقط " جهودها" را بیاد میاورند_ در بوق و کرنا میکنند به لحاظ دلسوزی و یا درس گرفتن از جنایات نیست، بلکه برای توجیه آنچه جهودهای صهیونیست ۶۲ سال است بر سر فلسطینیان میاورند میباشد، برای اینکه به یک رژیم اشغالگر، سرکوبگر و جنایت و تروریست پیشه مانند اسراییل به " حقانیت*" دهند! چگونه؟

سیستم های آموزشی " برابری و گوناگونی"

در انگلیس در هیچ مرحله از آموزش در هر سطح و رده ای نیست که موضوعی تحت عنوان "برابری و گوناگونی" (equality and diversity) به عناوین مختلف تدریس نشود! یکی از دوره های آموزشی ، موضوع کلاس " برابری و گوناگونی" است! آموزش دهنده قبل از باز کردن موضوع اتمام حجت میکند که در این مبحث کاری ما به " سیاست" نداریم! آموزش را شروع میکند و بعد از دو سه جمله از حق و حقوق صحبت میکند، و مثالی میزند که ذهن را بیشتر متوجه " آموزش" و " کار نداشتن به سیاست" جلب میکند، مثال او این است که همه برای حق و برابری شان مبارزه میکنند، و فوری یک " کارت حق" برای جنایات اسراییل از آستین خود بیرون میکشد که " اسراییل هم بر سر حق خود با تروریسم و جان شهروندان و کشور خود مبارزه کند." حق "؟ کدام حق؟ حق ظالم؟ حق اشغالگر؟ حق سرکوبگر؟ مگر ددمنشان هم حق دارند؟ و درست این مرزیست که آموزشهای امپریالیستی با برنامه آنها مغشوش میکنند و عده ای ناآگاه هم فوراً فریب " حق قایل شدن برای ظالمین" را میخورند. جالب است که بدانید در کلاس مذکور ۹۹ درصد از جمله آموزش دهنده همه جهود هستند، در معرفی خود در روز اول کلاس اولین نفر " علاقه مند" بود که حتماً سلاقی دینی خود را نیز دنبال اسم خود بگوید سایرین نیز چنین عمل نمودند! بعد از دقایقی که تمرین های " برابری و گوناگونی" را داده شد تا با شنیدن پاسخ ها به افکار حاضرین پی ببرند، از آنجاییکه حاضر نبودم که آنچه را که حقیقت نداشت به خورد مغزم دهم، گفتم، شما در اول کلاس بدعت گذاشتید که کاری به سیاست ندارید، اما همین بحث " برابری و گوناگونی" مگر از دل سیاست آنهاست سیاست های نژادپرستانه بیرون نیامده؟ چرا نباید به سیاست کار داشت؟ ضمن اینکه صورت مسئله شما اساساً اشتباه است و من بنا به وجدان انسانی ام آنها تصحیح میکنم. بنا به شواهد تاریخ اسراییل اساساً و اصولاً حقانیتی ندارد، رژیمی ست که ۶۲ پیش با ترور و کشتار و سرکوب بیش از ۲۵۰ زن و مرد و کودک فلسطینی متولد شده و بقای آن نیز به قلدری، ترور و جنایت و آدم کشی بسته است. متأسفانه شما امروز " ناآگاهانه" برای این رژیم تروریست پیشه " حق" دفاع از خود زیر شعار " برابری حقوقی" تبلیغ میکنید! البته میدانستم

که طرف بسیار هم " آگاهانه و هدفمند" از اسرائیل اشغالگر صحبت میکند. چیزی نگفت، نگاه ها بود که رد و بدل میشد! چیزی که برایم اهمیت داشت این بود حقیقت را بگویم و جو بی تفاوتی به سیاست مسموم موجود را در جامعه کوچک کلاس بشکنم. خیلی ها در انگلیس در کلاسهای درسی که اتفاقا مبحث این چینی دارد نه تنها با این نظرات ضد بشری برخورد نمیکند بلکه متأسفانه بدلیل مختلف مثل فرصت طلبی، رخوت، بی تفاوتی و یا عدم آگاهی درست، خود در آن نظرات مسموم و کشنده حل میشوند! نمونه بارز آن فرد مثلاً " چپی" بود که در یکی از تحصنهای ضد رژیم در لندن در بحث با او متوجه شدم که برای "اسرائیل سرکوبگر" حق به رسمیت شناختن قائل است! این شخص در زیر پرچم پرافتخار چریکهای فدایی خلق ایران که امروز به دست عده ای که هم از لحاظ سیاسی و هم از لحاظ عملی هیچ ربطی به جنبش مسلحانه ندارند قد علم کرده است! متأسفانه افرادی با اینگونه تفکرهای مخرب و ضد بشری از وحشت " ایزوله" نشدن چه در کلاسهای آموزشی مذکور و چه در سایر اجتماعات نظیر آن فوراً به هر خفت و بردگی فکری تن میدهند و به این طریق مسیر تاریخ ننگین و جنایت بار امپریالیستها و نوکرانش را برای نابودی بیشتر ستمدیدگان صاف میکنند! در سیستم آموزشی انگلیس آموزشهای " آرام و مستمر" در تمام مراحل آموزشی آنها با زبان دیپلماسی پر از رنگ و ریا انگلیسی نهفته گردیده و مشغول تغذیه افکار سنین گوناگون با خوراکیهای نژادپرستانه ایست که در قالب " برابری و گوناگونی" ارائه میگردد! البته خودشان با همان زبان " دیپلماسی" از قبل میگویند برای اینکه در جامعه " برابری و گوناگونی" به عدالت دست پیدا نکرده این مباحث را برای رعایت حقوق "گوناگون" ها تدریس میگردد، برای اینکه " حق" کسی ضایع نشود! در چنین کلاسهای آموزشی " نوآوری" که مانند گوسفند چرندیات آموزشی امپریالیستها را بیع میکنند کاندید " جوایز سکولار" امپریالیستها میشوند و راهی کعبه آمالاشان " اتحادیه اروپا"!

پوسترهای آموزشی صهیونیستی

چند روزی از حمله نیروهای ارتش اسرائیل سرکوبگر به کشتی حامل مواد غذایی برای ساکنین غزه میگذرد، حمله ی تکان دهنده دیگری! در اصل رژیم ناحق اسرائیل در " خلق" حمله های تکان دهنده و حوادث هولناک ضد بشری آنچنان "مهارت جهانی" دارد که ماموران موساد آن افتخار " اختراع قرون وسطایی ترین شکنجه" ها برای شکستن مقاومت مبارزین فلسطینی را دارند مانند همپالگی های سی آی ای شان! واقعا چه کسی رژیم ناحق اسرائیل را به رسمیت می شناسد؟

وارد کتابفروشی برای تهیه پوسترهای آموزشی میشوم، بعد از انتخاب چند پوستر برای کودکان به دو نقشه برخورد میکنم یکی با نام : welcome Map of the world و دیگری Flags of the world. نقشه اولی که بیشتر شبیه نقشه فرماندهان نظامی جنگهاست از مرکز هر کشوری خطی را کشیده به طرف بیرون و بعد در انتهای آن خط پرچم آن کشور را نشان داده. پرچمها واضح تر هستند و آنقدر بزرگ که چشم را در وحله اول جذب میکنند که وقتی دنباله خط را از روی پرچم بگیری محل کشور را پیدا میکنی. در گوشه سمت راست پایین نقشه پرچم اسرائیل در کنار پرچم عربستان سعودی به چشم میخورد. و به راستی هم که این دولت کشور (از نظر سیستم حکومتی) چقدر برازنده در کنار هم قرار گرفتن میباشد. خط پرچم اسرائیل را گرفتم تا ببینم آیا به فلسطین میرسم؟! چشمانم باور نمیکرد! دوباره و سه باره و ده باره نگاه کردم! رفتم جلوی نور پنجره نبود، از زنی که همراه دو بچه اش بود و مشغول کتاب خواندن برای آنها خواستم کمک کند تا فلسطین را پیدا کنم، او هم پیدا نکرد، رفتم به طرف صندوق جایی که برای پرداخت خرید میروی، از دختر جوانی که آنجا بود خواستم به نقشه نگاه کند و فلسطین را برایم پیدا کند، او هم نیافت، پرسیدم شما میدانستید که این نقشه فقط اسرائیل آنها " کشوری که اساس" وجود نداشته و با زور و قلدر و کشتار فلسطینیان متولد شده" در این نقشه دیده میشود؟ دختر جوان فروشنده با تعجب دهانش باز شد، خشم تمام وجودم را گرفته بود، چطور ممکن است؟ دختر فروشنده گفت که به مسئول کتابفروشی اطلاع میدهد که از فروش این نقشه جلوگیری شود، میگفت تمام کارکنان آنجا از رژیم اسرائیل بخاطر جنایاتش در حق خلق

فلسطین منتفر هستند . نقشه های زیادی انتخاب کرده بودم، اما هیچکدام از آنها به جز همان نقشه اولی را برای اثبات حرفم نخریدم. تازه از خرید همان یکی هم که سود این انتشاراتی چارت میدیا را می افزود که بی شک سودش مثل سایر کمپانی های حامی منافع اسراییل در جیب اسراییل تروریست پیشه میرفت عذاب وجدان داشتم. فروشنده که احساسم را فهمید گفت نگران نباش هر وقت خواستی آنها برگردان. اگر به لینک زیر مراجعه کنید دو پوستر مذکور را در انتهای صفحه میابید برای دیدن پوستر یکبار روی آنها کلیک کنید.

<http://www.chartmedia.co.uk/maps.html>

بطرف اینترنت میروم ، که بینیم چارت میدیا که **پوسترهای آموزشی** برای بچه ها چاپ میکند کیست، تنها اطلاعاتی که در اینترنت هست از سه خط بیشتر تجاوز نمیکند، در قسمت پیشنهادی کمپانی میگوید: چارت میدیا بیش از ۲۰۰ پوستر آموزشی که **در هر کجا اولیا یا بچه ها میروند** به فروش میرسد. پوسترها در فلان سایز هستند و چوبه آویزان کننده مجانی فروخته میشوند. ما یک تجارت فامیلی هستیم که بخاطر روابطمان با مشتریهای ما موفق هستیم. برای اطلاع شما لینک آنها در زیر قرار میدهم <http://www.springfair.com/page.cfm/Action=Exhib/ExhibID=1598> برای آنها یک نامه اعتراضی نوشته و از آنها درخواست میکنم که در مورد " حذف فلسطین و پرچمش " توضیح دهند، اما تا به امروز از آنها خبری نشده. و این پوسترهای آموزشی در سراسر دنیا به زبان های مختلف فروخته میشود! "

با دیدن آن پوستر بی اختیار دو موضوع از خاطر میگذرد: یکی لمپنهای " وطن پرست " های دو آتشه شروع به جمع آوری امضا برای حذف نام " خلیج فارس " میکنند و از کشتار فلسطینیان توسط هم "نژادشان " اسراییل لذت میبرند! که اگر ذره ای " گربه " را کسی دست بزند این لمپنها چه بلایی سر آنها بر سر عربها و نه " اربابان حکومتهای عربی " میاورند! دیگری مصاحبه های تلویزیونی با دانش آموزان آمریکایی بسرعت از خاطر عبور میکند، اکثر آن دانش آموزان و حتی دانشجویان در زمان انفجار برج ها دوقلو نیویورک که امروز دیگر خیلی ها میدانند که کار خود آمریکا و تعلیم دیده گانش بود که بر سر مسایل مالی با هم اختلاف داشتند، نمیدانستند " افغانستان " کجاست. در اصل انفجار آن آسمانخراشها چه ربطی به افغانستان داشت؟ دنبال بن لادن میگرددند؟ ماهواره هایی که پشه را مبیند و در هوا آنها میزند نمیتواند بن لادن را پیدا کند؟ خیر! ربطش " صدور مجوز حمله ارتش اشغالگر آمریکا و همدستانش " به افغانستان به بهانه " صدور دموکراسی و تقابل با تهاجم فرهنگی " بود، همان " تقابل با تهاجم طالبانی " که فرد مشکوک به همکاری با ساواکی بنام منصور حکمت نیز از آن حمله جنایتکارانه حمایت کرد آنها در لباس چپی که به هیچ وجه برازنده فد و قواره کوتوله سیاسی او نبود! آری! در حالیکه افغانستان هم در نقشه های جغرافیایی وجود داشت و دارد و هم چندین برابر خاک اشغال شده فلسطین میباشد، اما خلقهای تحت ستم هر دو سرزمین در اشغال خاکشان توسط امپریالیستها و نوجه های امپریالیستها مشترک میباشد و روزانه هم توسط سربازان مزدور و وحشی آنها کشته میشوند. عدم آگاهی دانش آموزان و دانشجویان آمریکایی نسبت به مکان جغرافیایی افغانستان ؛ چیزی را حل نمیکرد، فقط نشانگر آن بود که آمریکایی ها نه اخبار درست و حسابی در رسانه هایشان دریافت میکنند و نه اصولا آموزش و پرورش آنها اشتیاقی به آموزش جغرافیای دنیایی که دولتشان خود را " کلانتر آن میداند " دارد! البته آموزش و پرورش آمریکا خاطرش جمع است که دولت قدر و غارتگرش به کشورهای که دانش آموزان آمریکایی آنها نمیشناسند حمله وحشیانه میکند و مردم آن کشورها را با بمب های مملو از اورانیوم دسته دسته کشت و سربازان مزدورش به دختران و پسران آن گروهی تجاوز کردند آنوقت نه تنها دانش آموزان آمریکایی بلکه تمام دنیا آن کشورهای تحت ستم و خلعهایشان را میشناسند! امروز کمتر بچه مدرسه ای را سراغ دارید که نه از روی نقشه بلکه از شنیدن جنایات امپریالیستها و قلدارانی مثل صهیونیستها نداند افغانستان و عراق و فلسطین کجاست و کودکان آن چگونه توسط ارتش وحشی آمریکایی، انگلیسی ، استرالیایی، کانادایی، دانمارکی و هلندی و اسراییلی حیوان صفت قتل عام میشوند!

عصر حقیقت ستیزی و تعرض به ارزشهای انقلابی

ریاکارانه به اسم کارگر از بورژوازی دفاع میکنند، اسرائیل صهیونیست تروریست پیشه را سمبل دموکراسی می نامند و اسم خود را " کمونیست کارگری" میگذارند! به راستی امپریالیسم همانطور که وزیر اطلاعات بازنشسته هند چند سال پیش گفت، غم دیگری برای کنار گذاشتن رژیم جمهوری اسلامی با بودن "کمونیست" از نوع " حکمت" دارد؟ کمونیستی از تباری که حمله نظامی ارتش وحشی امپریالیستها به افغانستان را حمایت میکند، رژیم ناحق اسرائیل نژادپرست را تأیید میکند، در جسم زنان مانند خمینی و سایر رهبران مذهبی ادیان دیگر دخالت میکند و مانند آنها حق آزادی سقط جنین را از زنان سلب کرده و ممنوع اعلام میکند، " اسلام ستیز" است و نه ادیان دیگر، و از همه مهمتر اینکه هرگز دیده نشد که این شخص کشتار کمونیستها توسط ساواک شاه را محکوم کند، در عوض تا توانست در زمان حیاتش بجای آموزش کمونیزم، " تعرض به ارزشهای انقلابی و جنبش نوین کمونیستی ایران" را به بازماندگانش آموزش داد" کاری که امپریالیستها برای آن میبایست کلی هزینه و " آموزش" متحمل میشدند، در عوض از طریق فقط یک خادم شان (منصور حکمت) این امر صورت گرفت، متحد شدن با سلطنت طلب ها نیز از رفتار های " کمونیستی امپریالیست پسند" ی بود که حکمت به بازماندگانش آموخت.

دیدگاههای نژادپرستانه و ناسیونالیستی منصور حکمت!

پیروان نظریات ارتجاعی و خطرناک منصور حکمت هیچگاه دیده نشد موضع ضدکمونیستی و ضدکارگری حکمت در قبال رژیم ناحق اسرائیل را رد کنند، (منصور حکمت سازنده "حزب کمونیست کارگری" در سال ۱۹۹۷ در *مصاحبه ای در لندن با صفا حائری نه تنها اسرائیل سرکوبگر را به رسمیت میشناسد بلکه آنرا نیز " سمبل دموکراسی، سمبل غربی بودن و سمبل مدرن بودن" نیز معرفی میکند. **حکمت که مدام بطور سیستماتیک تعرض خود را به جنبش نوین کمونیستی ایران با استفاده از واژه حزب ملی سنتی به نمایش میگذاشت در مصاحبه اش دم صهیونیستی اش بیرون زده و نشان میدهد که تا چه اتفاقا ناسیونالیست دو آتشه از نوع صهیونیستهاست. او رژیم سرکوبگر اسرائیل را به این دلیل که در " اینجا دنیا" آمده را طبق عقاید خودش " مشروع" میداند و طبق عقاید کمونیستها " حقانیت" میدهد! همین امروز مینا پیروان او که با وزارت امور خارجه آلمان، اتحادیه اروپا، لرهاک انگلیس، رفت آمد میکنند، بر سر موضع گیری هایشان با وزارت امور خارجه " اسرائیل" نامه نگاری میکنند، با بی شرمی تمام از نشستسن در کنار جنایتکار و دزد دسترنج کارگران ایران یعنی انگلی بنام رضا پهلوی افتخار هم میکنند و به این وسیله " خوش خدمتی" خود را به اربابان "غربی" شان نمایش میدهند! اما برگردیم به مصاحبه ی مملو از نظرات ضد و نقیض " معروف" حکمت با صفا حائری در لندن! حکمت در ابتدا در مورد اسرائیل میگوید: "من نظر شخصی خودم را میگویم ممکن است نظر سازمانی نباشد... و در ادامه میگوید: "از سوی دیگر **ما همچنین** اسرائیل را به مثابه ملتی که **در اینجا به دنیا آمده است** در نظر میگیریم. اما در ادامه میگوید: " اگر **ما در قدرت باشیم، دولت اسرائیل را به رسمیت میشناسیم.**"**

همانطور که ملاحظه میفرمایید تناقض گویی در گفته های حکمت فوران میزند! یکبار میگوید " من " و بعد از " ما" استفاده میکند! در سازمان حکمت هیچ نظری به جز نظر او " جایز" نبود و اصولا جایی در حزب " غربی" اش نداشت! تأکید من بر سر " ناسیونالیستی صهیونیستی " حکمت است! همان موضعی که چیم وایتمن رهبر صهیونیستها و تمام صهیونیستها برای تعرض به خاک و کاشانه فلسطینیان ارائه میدهند. او از یک سو نیروهایی چپ و کمونیستی که با رژیم شاه نوکر امپریالیسم میجنگند و پایه های حکومت ننگین او را به لرزه در آورده بودند را " ملی" لقب میدهد، از سوی خودش صهیونیستها را چون در " اینجا.. (دقت کنید حتی نمیگوید فلسطین میگوید اینجا) دنیا آمده اند " محق " میداند که فلسطینیان را قتل عام کنند! او نه تنها دم خروس ناسیونالیستی دو آتشه خانمانسوز حکمت از زیر کلاه شاپویی اش بیرون میزند بلکه دلیل دیگری بر حمایت او از جنگهای نژادی برخلاف آن چه " شعار" میداده آنهم در لباس " چپ" میباشد که البته او را رسواتر کرده و رو سیاه تر کرده و ستیزگرایی ارتجاعی او با جنبش نوین کمونیستی ایران را برجسته تر میکند!

تمام پیروان حکمت از مواضع و برنامه او پیروی میکنند. بدین طریق که مثلا حکمتیستها در سطر آخر اطلاعیه ایی در مورد حمله به کشتی حامل مواد غذایی به غزه چنین موضع گیری میکنند: " دولت اسرائیل باید بلاواسطه به محاصره اقتصادی غزه پایان دهد. این حداقل خواستی است که باید در مقابل این تعرض به دولت اسرائیل و حامیانش در غرب تحمیل کرد. دولت اسرائیل باید بلاواسطه به محاصره اقتصادی غزه پایان دهد. این حداقل خواستی است که باید در مقابل این تعرض به دولت اسرائیل و حامیانش در غرب تحمیل کرد. دولت اسرائیل باید بلافاصله به سرکوب مردم فلسطین و بیحقوقی رسمی آنها پایان دهد. تنها اعلام فوری صلح و ایجاد یک دولت فلسطینی در جوار اسرائیل، حاکمیت دو دولت غیر قومی، غیر مذهبی و سکولار در اسرائیل و فلسطین میتواند به این تروریسم رسمی که ریشه در نفرت قومی و مذهبی، شکاف جهان عرب و یهودیت دارد، پایان دهد. کینه و نفرت قومی که بیش از هرچیز وسیله حفظ سلطه ارتجاعی دول بورژوازی در خاورمیانه است. تنها ایجاد دو دولت سکولار، غیر مذهبی و غیر قومی در فلسطین و اسرائیل میتواند شرایط را برای مردم و طبقه کارگر در فلسطین برای دستیابی به آزادی و برابری، در اتحاد با طبقه کارگر در اسرائیل فراهم کند.."

اینکه حکمتی ها علاقه وافری به " تحمیل کردن" دارند نشان از بی ربطی شان به مارکسیسم است، اینها فکر میکنند که موضوع اشغال خانه و کاشانه و کشتار خلق فلسطین مثل درخواست " مسکن" در " غرب" اینهاست که بخواهند خود را به اداره مسکن تحمیل کنند! از آن مهمتر اینکه وقتی کسی از اسرائیل میخواهد که حقوق فلسطینیان را به رسمیت بشناسد یعنی اینکه او اول رژیم ناحق اسرائیل نژادپرست را به قول حکمت شان " مشروع" میداند و از رژیم اسرائیل که ثابت کرده که از نژاد انسان نیست میخواهند که حقوق کسانی که خانه و کاشانه شان را با قلدری گرفته، عزیزان و جگر گوشه هایشان را جلوی چشمان قتل عام کردند به رسمیت شناسند و اجازه دهند که در جوار حیوانهای صهیونیست " دولت سکولار" تشکیل دهند! آیا این خادمی امپریالیستهای نیست که حامی رژیم تروریست پیشه اسرائیل هستند؟ امپریالیستم از نوکرانش چه میخواهد، دست به اسلحه برای رهایی میهن و هم مینهنان از زیر بار ستم امپریالیستها نبرید، چماق های امپریالیستها را هم به رسمیت بشناسید، به جنبش های مبارزه مسلحانه هم تا میتوانید زیر اسم " کمونیسم" تعرض کنید، با مراکز امپریالیستها هم در رفت آمد و ارتباط باشید، با مزدوران آن هم مثل رضا پهلوی هم نشسین سیاسی شوید در محافل پادوی های امپریالیستی شرکت کنید....!

نیروهای چپ و کمونیست چه متشکل و چه مستقل تحت هیچ شرایطی نمی توانند " متحدشدن" خود را با پیروان حکمت در تظاهرات ضد رژیمی به هیچ طریق توجیه کنند، به ویژه کسانی که امروز پرچم پرافتخار سازمان چریکهای فدایی خلق را در دست دارند. درست است که پرچمداران امروز چفخا هیچ ربطی چه سیاسی و چه عملی به جنبش مسلحانه ندارند، اما با متحد شدن با حکمتیست ها زیر پرچم چفخا، شارلاتانیسم سیاسی حکمتی ها را تقویت میکند تا با استفاده از " نام پرافتخار چفخا" برای خود در میان توده ها " آبرو و اعتبار" تهیه کنند _ فقط در یکصورت است که چنین اتحاد بی شرمانه ای صورت میگیرد و آن پایمالکردن حقوق فلسطینیان و تمام مبارزین مقاوم فلسطینی که در راه آرمانهایشان جان خود را فدا کردند و الگوی مبارزاتی بسیاری از مبارزین در سراسر دنیا شدند! البته کسانی که چنین اتحادهایی را سبب میشوند در اصل خود را اول بی آبرو و بی اعتبار میکنند!

به رسمیت شناختن دولت اسرائیل یعنی: به رسمیت شناختن تجاوز آشکار به حقوق ستمدیدگان، به رسمیت شناختن سرکوب برنامه ریزی شده منظم، به رسمیت شناختن ترور دولتی، به رسمیت شناختن تجاوز به خانه و کاشانه دیگران آنهم با کشتار و قتل عام ساکنین آن، به رسمیت شناختن زور و قلدری، به رسمیت شناختن ستم نژادی، به رسمیت شناختن جنگهای مذهبی نژادی، یعنی به رسمیت شناختن نسل کشی، یعنی به رسمیت شناختن کشتار هر روزه زن، مرد و کودک

فلسطینی، یعنی به رسمیت شناختن "موساد" ماشین کشتار مبارزین فلسطینی و تعلیم دهنده سایر سرکوبگران مبارزین راه رهایی از زور و ستم و نابرابری، یعنی به رسمیت جنگ دینی در پشت نام "زادگاه جهود"، به رسمیت شناختن آوارگی فلسطینیان در سراسر دنیا، یعنی به رسمیت شناختن قتل عام کودکان فلسطینی، یعنی به رسمیت شناختن پاک کردن نام فلسطین از نقشه دنیا، یعنی به رسمیت شناختن حذف ملت فلسطین نه تنها از سرزمینشان بلکه از روی کره زمین! یعنی به رسمیت شناختن رژیمی که تولدش با کشتار ۲۵۰ زن و مرد و کودک فلسطینی که بسیاری از آنها را زنده زنده در چاه می انداختند، در دیر یاسین شکل گرفت. یعنی به رسمیت شناختن قاتلین خلقهای تحت ستم، به رسمیت شناختن ظالمین و ستمگران و استثمارگران! **یعنی به رسمیت شناختن حکومت نسل حیوان بر نسل انسان!**

تنها با نابودی رژیم ناحق اسراییل و پس گرفتن تمام زمینهای اشغال شده است که فلسطینیان رها گشته و مستقل میشوند.

صبا راهی

هیجدهم جولای ۲۰۱۰

منابع استفاده شده در این نوشته:

The Jews, Israel and the Holocaust

<http://www.marxists.org/archive/cliff/works/1998/05/israel.htm>

Deir Yassin Remembered

[/http://www.deiryassin.org](http://www.deiryassin.org)

Roots of Israel's violence

<http://www.marxists.org/archive/cliff/works/1982/04/isrviol.htm>

مصاحبه صفا حائری با منصور حکمت

<http://www.iran-press-service.com/articles/hekmat.html>

US finds a communist ally against Iran

http://www.atimes.com/atimes/Middle_East/EF21Ak03.html

اطلاعیه حکمتیست

<http://www.hekmatist.com/020610hezbt.html>